

# پرفسور فراگنر، استادی خستگی ناپذیر

(متن سخنرانی دکتر نصرت‌الله رستگار

در مراسم اهداء جایزه موقوفات

دکتر محمود افشار)

وین ژوئن ۲۰۰۹

۱۵۹

بخارا

سال سیزدهم

شماره ۷۶

مرداد - شهریور

۱۳۸۹

خانمها، آقایان، اساتید و دانشمندان گرامی،  
برت گئورگ فراگنر، در تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۱ برابر با ۷ آذر ۱۳۲۰ شمسی در شهر  
وین پایتخت کشور اتریش به دنیا آمد و در سال ۱۹۵۹ در همین شهر به اخذ دیپلم دبیرستان  
ناائل شد.

وی تحصیلات دانشگاهی خود را از سال ۱۹۶۰ به بعد، ابتدا در دانشگاه وین در  
رشته‌های اسلام شناسی *schaft Islamwissen*، ترک‌شناسی (*Turkologie*)، عرب‌شناسی  
(*Arabistik*) و مردم‌شناسی (*Ethnologie*) زیر نظر اساتید مشهوری چون دودا، یانسکی،  
گوتسالک، مایرهوفر شروع کرد. سپس در سال ۱۹۶۴/۶۵ با استفاده از یک بورس تحصیلی  
یک‌ساله به تحصیل خود در دانشگاه تهران زیر نظر اساتیدی، از درگذشتگان چون سید جعفر  
شهیدی، ذبیح‌الله صفا، محمد جعفر محبوب، مجتبی مینوی و از حاضرین ایرج افشار، محمد  
ابراهیم باستانی پاریزی، شیرین بیانی و منوچهر ستوده ادامه داد و از سال ۱۹۶۵ تا چهار سال  
بعد هم در تهران در سمت مدیر دروس آلمانی مدرسه حرفه‌ای تهران خدمت و در ضمن  
روی موضوع رساله دکتری خود نیز تحقیق می‌کرد. موضوع این رساله که به خواسته استاد  
راهنمایان پروفیسور دودا تعیین شده بود، «تاریخ شهر همدان و حومه آن در شش سده اول  
هجری» بود، با آنکه علاقه شخصی خود ایشان بیشتر تحقیق در ادبیات معاصر ایران بود  
که مورد موافقت آقای دودا واقع نشد. در آن زمان پرداختن به موضوعاتی مربوط به دوره  
«صفویه» یا «قاجاریه» جزو موضوعات مدرن به شمار می‌رفت که با روحیه نسل دودا که به  
سنت فیلولوژی عهد عتیق پایبند بود، سازگاری نداشت. فراگنر منابعی را که در رساله همدان



• نمایی از مراسم اهداء جایزه موفقات افشار در دانشگاه وین

مورد پژوهش قرار داده و موجب آشنائی عمیق وی با متون و کتب تاریخی این شش سده شده بود، بعدها مکرراً در دانشگاه تدریس می کردند. همچنین دروسی که ایشان در محضر استادانی چون دودا، و بیش از همه، نزد اساتیدی مانند سید جعفر شهیدی، زرین کوب و به ویژه استاد محمدجعفر محجوب آموختند، موجب آشنائی بیشتر با ادبیات فارسی شد، که این موضوعات را نیز بعداً در دانشگاه به کرات تدریس می کردند، هر چند ایشان خود را به تبع تحقیقاتشان در درجه اول «اهل تاریخ» می دانند. در سال ۱۹۷۰ با ارائه رساله همدان زیر نظر پروفسور دودا از دانشگاه وین درجه دکتری شرق شناسی را اخذ نمود.

سپس، از دسامبر ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۶، همکاری علمی خود را با پروفسور روبرت رومر در مؤسسه شرق شناسی دانشگاه فرای بورگ برایشگاو (Breisgau im Freiburg) آلمان شروع نمود. همکاری با پروفسور رومر سبب شد که ایشان برای همیشه به سنت تحقیقات تاریخی پروفسور رومر وفادار بماند و خود در همان سنت کار کند. از کارهای ارزنده ای که دکتر فراگتر در فرایبورگ به عهده گرفت، یکی تألیف بخش تاریخی اقتصادی کتاب شش جلدی «تاریخ ایران» کامبریج از دوره تیموری تا صفوی بود که جمعاً بالغ بر ۸۰ صفحه گردید. در این راستا سیستم های مالیاتی و اداری ایران از دوره مغول تا قاجاریه را با دقت و پشتکار زیادی مورد پژوهش قرار دادند. موضوع دیگری که از مدت ها قبل بدان علاقمند شده بودند، پژوهش در اسناد و فرامین بود که این امر وی را به تدریج به یک متخصص



• دکتر نصرت‌الله رستگار در مراسم اهداء جايزه به پروفيسور فراكنر

اسنادشناس مبدل کرد. کوشش‌های خستگی‌ناپذیرشان در این زمینه، سرانجام به تألیف کتاب «فهرست اسناد و فرامین چاپ شده فارسی» سال ۱۹۷۹ برای یک‌سال به عنوان استاد میهمان در دانشگاه وین در رشته «فقه اللغة» ایرانی (Philologie Iranische) تدریس نمود و در سال ۱۹۸۱ بود که در دانشگاه فرای بورگ به اخذ درجه پرفسوری نائل گردید. سپس در سال ۱۹۸۲/۸۳ به عنوان میهمان در دانشگاه برن (سوئیس) در رشته‌های «ایران‌شناسی» و «اسلام‌شناسی» به تدریس مشغول شد. در سال ۱۹۸۵ کرسی ایران‌شناسی دانشگاه آزاد برلین به وی واگذار گردید و تا سال ۱۹۸۹ در این رشته در برلین تحقیق و تدریس می‌کرد. سپس به دعوت دانشگاه بامبرگ به تأسیس یک انستیتوی ایران‌شناسی با برنامه‌های درسی کاملاً جدیدی اقدام ورزید و کرسی ایران‌شناسی آن را تا نوامبر سال ۲۰۰۳ خود رأساً برعهده داشت. خلاصه آنکه ایشان طی بیش از سی‌وسه سال استادیانشان در دانشگاه‌ها و شهرهای مختلف دنیا به آموزش دانشجویانی پرداختند که امروزه اغلب آنان در زمره اساتید برجسته شرق‌شناسی و به ویژه ایران‌شناسی در سطح بین‌المللی به شمار می‌روند (منجمله مارکوس ریتز (Ritter Markus)، رالف کاوتس (Kauz Ralph)، کریم سلیمانی ده‌گردی (Dehkordi-Soleimany Karim)، والتر پوس (Posch Walter)، کریستال کاتانزارو (Catanazaro Christl)، کریستف ورنر (Werner Cristoph)، تیم اپکن هاوز (Epkenhans Tim)، استفان پوپ (Popp Stephan)، رومان زیبرتس (Zipertz Roman)، الیور باست (Bast Oliver)، زیگفرید ویر (Weber Siegfried)



• قالیچه دستباف اهدایی موقوفات دکتر محمود افشار

و بسیاری دیگر.

قبلاً به مدیریت استاد فراگتر در انستیتوهای دانشگاه برلین و بامبرگ اشاره کردم، ایشان در کنار انجام این وظائف، ضمن عضویت در انجمن ایران‌شناسی اروپائی که خود یکی از بانیان آن بود، مدت ۲ سال در سمت دبیر کل و ۴ سال نیز در مقام ریاست انجمن انجام وظیفه می‌کردند؛ سمینارهای سالیانه و کنگره‌های چهار ساله این انجمن و مجموعه مقالات آن بی‌شک معرف حضور شما می‌باشد، از جمله نتایج این مدیریت پر بار، یکی آنکه ایشان با زمینه‌ها و موضوعات تحقیقاتی ایران‌شناختی در سطح جهان از نزدیک آشنا شد، کما اینکه از سال ۱۹۶۴ تا اکتبر ۱۹۹۸ در بسیاری از کشورهای جهان برای مدتی جهت انجام پروژه‌های پژوهشی خود اقامت داشته‌اند (ایران، ترکیه، لبنان، سوریه، ازبکستان، تاجیکستان، ایالات متحده آمریکا و سوئد)، و با مؤسسات شرق‌شناسی و ایران‌شناسی و نیز ایران‌شناسان آن مراکز از نزدیک آشنا شده بودند. در ضمن در مقام رئیس دانشکده و یا کمیسیون‌های آموزشی دانشگاه‌ها نیز خدمت کرده‌اند و همکاری مستقیم ایشان با مراکز انتشاراتی بین‌المللی هم قابل ذکر و تقدیر است. ایشان عضو انجمن خاورشناسان آلمانی (Deutsche Gesellschaft Morgenlandische) هستند و ۶ سال در هیأت مدیره آن بودند که از این مدت ۳ سال ریاست این انجمن را برعهده داشتند، و نیز عضویت ایشان در بسیاری دیگر از مراکز و انجمن‌های مطالعاتی شرقی و آسیایی مثلاً در پاکستان، ایتالیا، آلمان، اتریش، که



• دکتر محقق داماد منشور موقوفات را به پروفیسور فراگنر می‌دهد.

۱۶۳

کثرت آنها معرف حضورتان است، همه و همه نشانی از برجستگی شخصیت فردی، علمی و جهانی ایشان داشته و از تلاش خستگی ناپذیرشان طی مدت چهل سال در رشته‌های شرق‌شناسی، اسلام‌شناسی، و ایران‌شناسی در جهان حکایت دارد.

به موازات این کار، چیزی که توجه شخصی ایشان را به خود جلب کرد، موضوع «خاطره نویسی فارسی» به عنوان یک منبع برای نگارش تاریخ ایران در دوره قاجاریه (تا اوائل جریان مشروطیت) بود. به این ترتیب ایشان به اوائل عصر تجددطلبی ایران پای نهادند. در آن زمان، یعنی در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، موضوع دوره قاجار نتوانسته بود توجه پژوهشگران اروپائی زیادی را به خود جذب کند. فراگنر در سال ۱۹۷۷ رساله دانشجویی خود را در رشته «اسلام‌شناسی» دانشگاه فرای بورگ آلمان تحت عنوان «خاطره‌نویسی فارسی به عنوان منبعی برای تاریخ معاصر ایران» ارائه داد که در سال ۱۹۸۰ در شهر ویسبادن آلمان منتشر شد.

مطلب دیگری که ایشان در سال‌های هشتاد (۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰) مورد پژوهش خود قرار دادند، «تاریخ آسیای میانه، ازبکستان و تاجیکستان قبل از سلطه اتحاد جماهیر شوروی تا اوائل این دوران» بود. در این تحقیق سؤال اساسی ایشان این بود که چگونه ازبک‌ها و تاجیک‌ها توسط دولت شوروی به یک «ملت» (Nation) تبدیل گردیدند؟ و سؤال دیگرشان اینکه حکومت‌های قبلی، مثلاً «امارت بخارا» از چه کیفیتی برخوردار بود. هم‌زمان با این تحقیقات، به تفحص در فرهنگ فارسی زبان در شبه قاره نیز پرداختند و از این گذشته موضوع «تاریخ فرهنگ» که از لحاظ «مُتَدَلوژی» تازگی داشت، نظرشان را جلب کرد. با





• متن لوحه موقوفات توسط دکتر محقق داماد به پروفیسور فراگتر اهداء می شود.

۱۶۴

ملحوظ داشتن ضوابط علمی این روش، به پژوهش در زمینه «کتب آشپزی» به عنوان منابع «تاریخ فرهنگ» روی آوردند، زیرا معتقد بودند که از این راه می توان به «فرهنگ روزمره» دسترسی پیدا کرد، و همین طور سؤالات دیگری را نیز دنبال می کردند، مانند اینکه چه کسی و در چه دوره ای خود را واقعاً ایرانی حس می کرد و آن هم در برابر چه کسانی؟ و یا اینکه چرا مدت مدیدی نام ایران از نقشه جغرافیائی ناپدید گردید و از کی دوباره ظاهر شد و یا اینکه وقتی ایلخانان، تیموریان، صفویان و قاجارها از ایران سخن می گفتند، منظورشان چه بوده است؟ در همین راستا، نقش زبان فارسی در تاریخ فرهنگ را هم مورد پژوهش قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که کاربرد زبان فارسی یک طیف فرهنگی مشترکی را مشخص می کند که قاعدتاً با محدوده جهان اسلام یکسان نیست و در واقع یک نوع همبستگی فرهنگی بین چین و آناتولی و هند و قفقاز را شامل می شود، و نیز فراز بوم ایران را که در قلب آن قرار دارد. امروزه دیگر این ارتباطات نامرعی شده است، ولی به لحاظ های متعددی همچنان برقرار می باشد و بر مبنای فراوانی دلالت دارد که ما آنها را معمولاً «تپه کال ایرانی» می خوانیم. این بود خلاصه ای از زمینه های پژوهشی استاد فراگتر، که دامنه وسیع آن در فهرست انتشارات ایشان منعکس است.

اما فراگتر به عنوان یک معلم متعهد و دلسوز، به عنوان استادی خستگی ناپذیر که همه شاگردان و دوستانش وی را به عنوان «برت» می شناسند و همگی با وی رابطه ای بسیار دوستانه داشته و خود را مدیون ایشان می دانند.



• پروفیسور فراگنر از موقوفات دکتر محمود افشار تشکر می‌کند.

وی از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۵ در دانشگاه فرای بورگ به تدریس مشغول گردید، اما زادگاه خویش را فراموش نکرد: در بسیاری از اساتید دانشگاه‌ها و فرهیختگان ایران مدت‌هاست از حد مرادات علمی فراتر رفته و به دوستی‌های ماندگار و اغلب خانوادگی مبدل گشته است، نقش همسر گرمی ایشان و در واقع نزدیکترین همکار علمی و اداری وی، سرکار خانم کریستل فراگنر را که در تمام مدت چهل و پنج سال زندگی مشترک یار و همراه و همسفر برت بوده است را نمی‌توان نادیده گرفت. تنها فرزند مشترکشان خانم شیرین فراگنر است که این نام‌گذاری نیز دلیل مضاعفی بر علاقه این خانواده به فرهنگ ایرانی است. از هنر آشپزی ایشان دیگر چیزی نمی‌گویم که پلو و چلو و خورش‌ها و کباب‌های ایشان معروف است و کمتر ایران‌شناسی و فراگنرشناسی است که نمک‌گیر او نشده باشد.

سرانجام اشاره‌ای هم دارم به فعالیت‌های ایشان در شش سال گذشته در آکادمی علوم اتریش که افتخار همکاری نزدیک با ایشان را داشته‌ام: در سال ۲۰۰۳ فرهنگستان علوم اتریش تصمیم گرفت کمیسیون پژوهش‌های ایران‌شناسی خود را که استاد فراگنر هم سال‌ها عضو هیأت مدیره آن بود، منحل و به جای آن یک انستیتوی ایران‌شناسی دائر نماید. لذا از استاد فراگنر درخواست شد که برنامه پژوهشی جدیدی تدوین و خود مدیریت این انستیتو را به عهده بگیرد. این برنامه وسیع پژوهشی به‌طور مشروح در صفحه اینترنتی این انستیتو به آلمانی، انگلیسی و فارسی آمده است و من به علت ضیق وقت دیگر وارد جزئیات آن نمی‌شوم. در اینجا همین‌قدر لازم به ذکر می‌دانم که وی با حفظ پروژه اصلی کمیسیون که

تدوین بقیه جزوات و کتب ۱۱ جلدی نامنامه ایرانی بود، تمرکز فعالیت‌های پژوهشی این مؤسسه را مؤکداً روی محدوده بزرگ فرهنگی تاریخی ایران از اواخر قرون وسطی تا عصر حاضر قرار داده است. در برنامه پژوهشی انستیتوی تحت مدیریت ایشان، در کنار رسیدگی به جوانب متعدد و گوناگون روند تاریخی این فرهنگ دیرپا طی دو سه قرن گذشته، بررسی چگونگی رابطه «سنت و مدرنیته» در این دوران و در این منطقه وسیع از الویت ویژه‌ای برخوردار است. (شرح مفصل آن در صفحه اینترنتی آمده است). برای مدیریت و تحقق این برنامه دراز مدت، تعیین پروژه‌ها و انتخاب پژوهشگران متخصص برای فراگیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، اما با شناخت وسیع و عمیقی که از ایران‌شناسان بین‌المللی داشت، دیگر کار چندانی مشکلی نبود، در حال حاضر ۱۱ پژوهشگر در زمینه‌های مختلف تاریخ و فرهنگ و زبان‌ها و ادبیات ایرانی در این انستیتو مشغول به تحقیق هستند که زندگی‌نامه، تحصیلات و انتشارات آنان در صفحه اینترنتی انستیتو در دسترس همگان است. در خصوص خدمات فراگیر در فرهنگستان علوم اتریش که خود عضو وابسته آن می‌باشد، همین اشاره بس که آخرین کنگره انجمن ایران‌شناسان اروپائی با شرکت نزدیک به سیصد نفر در سال ۲۰۰۷ در همین انستیتو در وین برگزار گردید و نیز برپائی «سمینار تابستانی نسخه‌شناسی فارسی» در تابستان سال ۲۰۰۸ با شرکت ۱۴ استاد ایرانی و ۶ استاد اروپائی و جمعاً نزدیک ۵۰ محقق و دانشجو بوده است. باشد که همچنان تندرست، شادکام و پرکار و برای ایران و ایران‌دوستان کماکان مثمر ثمرات علمی باشند.